

تأملی بر اقتصاد عراق و منطقه خاورمیانه

عادل عبدالمهدی، تأملات فی الاقتصادین العرافی و الافلیمی بنک المعلومات العرافی
سال ۲۰۰۰، ۱۶۶ ص.

اسراء متهدجد عسکری، کارشناس مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

کتاب شامل سه فصل است که نویسنده فصل اول کتاب را به مقدمه

(تاریخچه) پیدایش استعمار و موقعیت

کشورهای اسلامی بویژه منطقه خاورمیانه

اختصاص داده است. در فصل اول کتاب

آمده است: کشورهای اسلامی پیوسته شاهد

کشمکشهای بسیاری بوده و هستند در

حالی که دیگر مناطق از آرامش و هماهنگی

خاصی برخوردار می باشند. خاورمیانه به

دلیل موقعیت خاص استراتژیک و ژئوپلیتیک

آن از ابتدای قرن بیستم تاکنون مورد توجه

بوده است. در طول سالهای متمادی

قرن گذشته کشورهای اسلامی در حال

فروپاشی و از هم گسیختگی بسر می بردند.

دولت عثمانی در اوایل این قرن بیستم بخش

عظیمی از اراضی خود را از دست داد و به

خواهان نوعی تجدید نظر جهان عرب به مواضع گذشته، درس گرفتن از اشتباهات و تلاش مجدانه برای دفع تهدیدهایی است که اعراب با آن مواجه هستند. دوم این که نویسنده رهایی کشورهای جهان سوم و جهان عرب از نسخه های لیبرالیستی را برای توسعه اقتصادی و سیاسی لازم می داند. سوم اینکه جهان عرب برای خروج از بن بست های موجود باید به یک قطب قوی تبدیل شود.

یادداشت ها:

۱- پس از بحران مالی ۱۹۲۹ و خرابی های جنگ جهانی دوم، از اوایل دهه ۱۹۴۰ تلاشهای وسیعی برای برقراری یک نظام پولی و مالی پایتبات به عمل آمد. نطفه تاسیس یک سازمان بین المللی که تهیه و تدوین مقرراتی فراگیر راجع به تجارت و مالیه بین المللی را در اختیار بگیرد در کنفرانس برتون و وودز در ایالت نیوهمپشایر آمریکا بسته شد. نتیجه مذاکرات ژوئن ۱۹۴۴ تاسیس صندوق بین المللی پول و بانک جهانی بود.

۲- الطوباویه

۳- الانفتاح الثقافی

دولتهای کوچک تقسیم گردید. ترکیه به عنوان جانشین دولت بزرگ عثمانی به دلیل سیاستهای داخلی آن بعد از گذشت نیم قرن هنوز هم در یک نابسامانی و فقدان هویت به سر می برد، و روند عدم انطباق فکری و سیاستهای متضاد آن همچنان بین اسلامیت و ملیت و تاریخ و نگرشهای لائیکی و غربی در جریان است.

کتاب حاضر بنا به نوشته نویسنده حاصل پژوهشی درباره اقتصاد خاورمیانه بطور عام و اقتصاد عراق بطور خاص است. او اذعان دارد که بسیاری از مسائل و عوامل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و حتی نظامی وجود دارد که به این کتاب ابعاد کاملتری می بخشد.

وی معتقد است نگاهی به اقتصاد خاورمیانه امری حایز اهمیت است و بنابراین آن را در بخشهای مختلف در دو بعد مورد اشاره قرار می دهد. بعد اول تاریخچه اقتصاد جهان اسلام، و بعد دوم اقتصاد عراق و مسائل مربوط به پیامدهای جنگ عراق علیه ایران و تحریمهای اقتصادی علیه عراق را در بر می گیرد. در فصل اول کتاب به پیدایش ادیان و تمدنهایی که حامل رسالت اتحاد و

همبستگی بوده اند مانند زرتشت در ایران باستان و بودا در چین اشاره می شود. بدین معنا که دین باعث اتحاد اصحاب زبانها و فرهنگهای مختلف می گردد که نه تنها به مرز جغرافیایی خاصی تعلق ندارد بلکه طالب علم و معرفت برای کلیه اقوام و ملت‌های جهان است. سپس نویسنده نگاهی اجمالی دارد به تجارت شرق از آغاز تاریخ و تا دو قرن اخیر و می نویسد تجارت بازارهای شرق از راه زمینی معروف به جاده ابریشم انجام می شد. این بازارها که پررونق ترین بازارها به شمار می رفتند خاورمیانه را با اروپا و آفریقا و در دورترین مناطق آسیا مرتبط می ساختند.

همچنین نویسنده به ارایه گزارشی از آمار و ارقام سرانه تولید ناخالص ملی برخی کشورها مانند چین و ایالات متحده آمریکا پرداخته است تا در چنین چارچوب گسترده ای در پایان فصل اول مجدداً به موقعیت و اهمیت منطقه خاورمیانه اشاره کند. او می نویسد: خاورمیانه از سال ۱۹۹۴ تاکنون راهی بس دراز پیموده است. حکومت‌های منطقه تا حد زیادی بر اقتصاد و جامعه نظارت دارند زیر ساخت منطقه توسعه زیادی یافته و به حد خودکفایی

نزدیک می‌شود. همچنین نهادهای مالی عمده و منابع انرژی آن در جهان بی‌همتاست. منطقه دارای کانونی صنعتی و معدنی است که رشد شتابان دارد. این منطقه در کل دارای منابع عظیم سرمایه است اما توزیع این منابع بین کشورهای مختلف بسیار نابرابر است. منابع نیروی انسانی توسعه یافته است با این حال کم و بیش همه کشورهای منطقه از این لحاظ دچار کمبود اند و البته مشکلات متعددی مثل انفجار جمعیت، رشد بی‌رویه شهرها، تولید نارسای مواد غذایی و نیروی کار با تخصص ناکافی فراوانند.

رشد جمعیت

جمعیت جهان در سال ۱۹۹۸ به شش میلیارد نفر رسید در حالی که در سال ۱۹۷۰ حدود ۳/۵ میلیارد نفر بود و در سال ۲۰۲۵ تعداد جمعیت جهان به ۸ میلیارد نفر خواهد رسید.

فصل دوم کتاب مستقیماً به مسئله عراق در منطقه و همچنین به بحران غذایی آن اشاره دارد و می‌نویسد ملت عراق در یک بحران معیشتی حاد و روزافزون بسر می‌برد

که با پایان جنگ عراق علیه ایران و آغاز حمله عراق به کویت و اعمال تحریمهای غیرعادلانه، شدت یافته است. فشارهای وارده بر این ملت دارای ابعاد و عوامل گوناگونی است که در کتاب بیشتر به بعد اقتصاد از جمله این موارد پرداخته شده است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف: افزایش قیمت کالاها

در اوت ۱۹۹۴ آقای مجید فرج؛ وزیر برنامه و بودجه عراق به دلیل نامعلومی از پست خود برکنار شد. این برکناری پس از اعلام گزارشی توسط وزارت مربوطه مبنی بر افزایش نرخ تورم به میزان ۲۴٪ انجام شد. نویسنده با ارائه گزارشی از قیمت کالاهای اساسی و میزان افزایش آنها می‌نویسد: قیمت‌های ارائه شده توسط اتحادیه نرخ گذاری در روزنامه‌ها با قیمت‌های بازار اختلاف چشمگیری دارد، مثلاً قیمت هر کیلوگرم سبزیجات در ششم آوریل ۱۹۹۵ در بازارها ۴۰۰ الی ۵۰۰ دینار بود در صورتیکه نرخ تعیین شده توسط دولت فقط ۱۵۰ دینار بود. همچنین این تفاوت در مورد قیمت آرد، برنج، روغن، شکر، چای، سیگار،

یوشاک و نرخ حمل و نقل صادق می باشد. روزنامه های عراقی پیوسته مقالاتی در این زمینه به چاپ می رسانند و این پدیده را گاه متوجه تحریمها و گاه ناشی از عملکرد تجار و واسطه ها و گاه به دلیل چاپ اسکناس (۲۵۰) دیناری و غیره می گذارند. ولیکن هیچگاه به ریشه سیاست هایی که منجر به ایجاد این وضع شده است نمی پردازند.

گزارش سازمان بین المللی غذا می گوید قیمت مواد غذایی فوق الذکر به طور متوسط ۲۰۰ برابر افزایش یافته و قیمتها هنگامی که دو برابر می شوند، بدان معناست که ۱۰۰٪ افزایش یافته است.

ب: کاهش قدرت خرید

قیمت کالاها در عراق افزایش بی حد و مرزی یافته است، در مقابل دستمزدها و حقوق کارمندان و کارگران برای تهیه مواد اولیه (غذایی) کافی نمی باشد، افزون بر آن سهمیه کوپن شهروندان به میزان ۴۰-۵۰ درصد کاهش یافته و حتی در بیشتر مواقع وسیله ای برای تنبیه شهروندان مانند افراد فراری از خدمت سربازی و اشخاصی است که با دولت خصومتی دارند. این امر باعث

ایجاد مشکلات بسیاری برای افراد کم درآمد شده است.

ج: کاهش تقاضا در بازار و کمبود فرصتهای شغلی

کاهش فرصتهای شغلی را می توان به دلیل پایین آمدن میزان فعالیتهای اقتصادی در کشور و کاهش تولید و خرابیهای گسترده ای دانست که به بدنه اقتصادی عراق وارد شده است. علاوه بر آن جمعیت از ۱۸٫۹ میلیون نفر در سال ۱۹۹۰ به ۲۰٫۶ میلیون نفر در سال ۱۹۹۳ افزایش یافته در سال ۱۹۹۹ باز هم بیشتر شده است. همه این موارد بیانگر شدت مصائب وارده بر ملت عراق است که روزنامه ها نمی توانند آنها را مخفی نمایند، لذا به ارایه گزارشاتی در این زمینه اقدام می نمایند. این امر بیانگر وضعیت در سطح داخلی است و اما در سطح بین الملل می توان گفت تحریم اقتصادی علیه عراق در تولید نفت این کشور تأثیرات منفی به جای گذاشته است. دکتر فاضل چلبی می گوید: «عراق در چهار سال گذشته ۷۰ میلیارد دلار از تولیدات نفت خود را با تهاجم به کویت از دست داده است، و این

خسارت عظیمی است که آثار و نتایج آن بیش از مبلغ ذکر شده است. « همچنین تحریمها شامل از بین بردن هواپیماها و کشتی های نفتکش و بلوکه شدن اموال عراق در بانکهای خارجی می گردد. در هر صورت عراق بهای سنگین جنگ با کویت پرداخته است.

همچنین نویسنده به انواع ضرر و زیانهای وارده بر اقتصاد این کشور در حکومت صدام اشاره می نماید و می گوید: زیانهای وارده بر اقتصاد این کشور فقط شامل موارد فوق الذکر نمی باشد. بلکه از بین رفتن زمینهای کشاورزی، خشک شدن چاهها و رودخانه ها، افزایش میزان جرایم و تعداد خانواده های بی سرپرست و افزایش آمار بی سوادان و کاهش ثبات دانش آموزان در مدارس از نشانه های زیانهای مذکور است.

مخارج نظامی:

بالاترین هزینه ها در عراق مربوط به مسائل نظامی است. این کشور در سال ۱۹۹۰ حدود ۱۲ میلیارد دلار در امور نظامی خرج کرده است. اگر واردات نفتی این کشور در سال ۹،۴ میلیارد در نظر بگیریم هزینه های نظامی به میزان ۲۶ میلیارد دلار

بیش از این واردات است. همچنین در عراق در جنگ با کویت بیش از یک سوم هزینه های نظامی و دو سوم بودجه دولت خرج شد. اگر بخواهیم این آمار و ارقام را با دیگر کشورهای عربی یا اسلامی مانند مصر و ایران که مخارج عمده بویژه در جنگ عراق علیه ایران داشتند، مقایسه نمایم درمی یابیم که مخارج نظامی عراق طبق آمار و ارقام سال ۱۹۹۰ برغم تفاوت جمعیتی و جغرافیایی چندین برابر مخارج این کشورها است.

هزینه های ریخت و پاش و تجمل گرایی

یکی از موارد هدر رفتن اموال عراق پولهای کلانی است که خرج ساختن کاخ ها، برج ها، هتل های پرزرق و برق و برپایی جشنهای مختلف به مناسبت سالگرد تولد صدام حسین و همچنین ساختن منازل و کاخهای مجلل شده است. در ساخت دستگیره های این کاخها طلا و نقره و در استخرهای آن مرمر وارداتی از ایتالیا مورد استفاده قرار گرفته است. همه اینها در نهایت از اموال ملت عراق است که بین عده معدودی تقسیم می گردد تا این اقلیت (یا مقربان) تقویت گردند و براکثریت مسلط و

حکومت نمایند.

و زمین داری، اوقاف و مجامع عمومی و

در فصل پایانی کتاب از دیدگاههای مختلف نگاهی جامع و در برگیرنده به تحریمهای اقتصادی عراق انداخته می شود و راهکارهای حل این بحرانها توضیح داده می شوند. به اعتقاد نگارنده این تحریم دارای دو بعد تاریخی و درازمدت بوده و بعد دیگر زمانی و مقطعی است که به دلیل اوضاع فعلی این کشور و سیاستهای صدام حسین می باشد. مسئله اشتباه بودن اصل سیاستهای اقتصادی و اصول سیاستهای اقتصادی عراق که نتیجه سلطه استعمارگران بر آن کشور طی زمانهای طولانی تلقی می شود از دیگر مطالب کتاب است. همچنین نویسنده معتقد است که سیاست اقتصاد تک محصولی به طور کل اشتباه است زیرا توجه محض به نفت و چاههای نفت باعث عقب ماندگی این کشور از دیگر مقولات اقتصادی مانند کشاورزی، بازرگانی، صنعت و بازارهای محلی می گردد. نویسنده راهکارهایی را ارائه می نماید تا باعث نجات اقتصاد این کشور گردد و معتقد است که در چارچوب حقوقی همه چیز اعم از حق افراد و شرکتها، گروهها (عشیره ها) در امور مالکیت

تشویق آنها در انجام فعالیت های گسترده کشاورزی و صنعتی و خدماتی و احیای زمینهای موات باید آزاد باشد نه مقید. دولت باید تابع آنها باشند به عکس تا اقتصاد در راستای استحکام و تقویت جامعه عمل نماید. همچنین ایجاد و تاسیس بانکهای بدون ربا و صندوقهای قرض الحسنه و کنترل قیمتها و حمایت از مصرف کننده و تولید کننده و ایجاد یک توازن و تعادل در داخل کشور نیز باید به عنوان یک سیاست اعمال شود. در پایان معاف شدن تجارت داخلی و خارجی از پرداخت مالیات و عوارض گمرگی به طور کل همراه با ضوابط و قوانین معینی که باعث حمایت از اقتصاد و شهروندان گردد، از دیگر راهکارهای ارائه شده است. چنانچه تغییر و تحولی در سیاست عراق ایجاد نگردد تا باعث بیداری فردی و اجتماعی و دگرگونی اوضاع فعلی کشور گردد و عراق را به گذشته تاریخ و واقعی خود بازگرداند نمی توان آینده ای روشن تر و عادلانه تر را برای آن ترسیم نمود.